



نمایشنامه‌ی

«ساحلی‌ها»

و

«انفجاری در قلب»



سرشناسه	: معوض، وجدی، ۱۹۶۸ م. -
عنوان و نام پدیدآور	: نمایشنامه «ساحلی‌ها» به انضمام نمایشنامه «انفجاری در قلب» / نوشته‌ی وجدی معوض؛ ترجمه‌ی نازنین میهن؛ مشخصات نشر : تهران: آماره، ۱۴۰۲ مشخصات ظاهری : ۲۰۶ ص. شابک : 978-622-7326-72-7
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتاب حاضر ترجمه دو نمایشنامه "Tideline" و "A bomb in the heart" است که از متن انگلیسی به فارسی ترجمه شده است.
یادداشت	: کتاب حاضر نخستین بار با عنوان «تایدلاین» توسط نشر مات از همین مترجم در سال ۱۳۹۹ منتشر شده است.
موضوع	: نمایشنامه فرانسه -- قرن ۲۱ م. French drama -- 21th century
شناسه افزوده	: میهن، نازنین، مترجم
رده بندی کنگره	: PQ۲۶۴۰
رده بندی دیویی	: ۹۱۴/۸۴۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۷۶۳۶۷۶

نمایشنامه‌ی

«ساحلی‌ها»

به انضمام نمایشنامه‌ی
«انفجاری در قلب»

نوشتته‌ی وجدی معوض

ترجمه‌ی نازنین میهن



©Nashre Amareh, MMXXIII



نشرآماره

عنوان اثر: «ساحلی‌ها» و «انفجاری در قلب»

نویسنده: وجدی معوض

مترجم: نازنین میهن

شابک: ۷-۷۲-۷۳۲۶-۶۲۲-۹۷۸

نوبت چاپ: اول، تاریخ چاپ: ۱۴۰۲

تیراژ: ۲۰۰ نسخه

طراح جلد: فرهاد توکلی

هرگونه کپی برداری، اسکن و میکروفیلم، برداشت آزاد، جزئی یا کلی بدون اجازه مکتوب نشر آماره یا مولف ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد
محتوای اصلی کتاب بازتاب اندیشه‌های پدیدآورنده می‌باشد و مسئولیت
درستی آن به عهده‌ی ایشان می‌باشد.

© تمامی حقوق چاپ و نشر برای نشر آماره محفوظ است

دفتر مرکزی نشر آماره: تهران، میدان انقلاب، خیابان انقلاب، ابتدای خیابان

دوازده فروردین، پلاک ۳۱۶، واحد ۴ تلفن ۰۹۳۶۸۷۶۴۳۹۱

برای آگاهی از اطلاعات بیشتر به وب‌سایت نشر آماره مراجعه کنید:

www.nashreamareh.ir

قیمت: ۱۳۰ هزار تومان

سخن ناشر

ادبیات نمایشی در هر دوره تاریخی و در هر کجای جهان به عنوان اساس هنر نمایش و وجهه‌ای از فرهنگ و هنر حاکم بر هر جامعه، همواره متأثر از جریانات و عوامل تأثیرگذار داخلی و خارجی هر سرزمین بوده است، به این جهت پیشینه هر ملت و تاریخ او یکی از عوامل مؤثر در شکل‌دهی روند کلی هنر نمایشنامه‌نویسی محسوب می‌شود.

نمایش، قطعه‌ی هنری زنده‌ای است که نمایشنامه، شالوده‌ی اصلی آن است. متن نمایش، از مؤلفه‌های بسیاری همچون طرح داستانی، زمان و مکان، شخصیت، موسیقی، فضا و حرکت، کنش و... تشکیل یافته است که از طریق دیالوگ، حرکات و توضیحات صحنه به مخاطب ابلاغ می‌شود. نویسندگان در ارتباط مستقیم با روابط فرهنگی و اجتماعی زمانه خویش، همزمان با وقایع روز به خلق آثار می‌پردازند؛ و آثار ادبیات نمایشی در هر دوره از تاریخ، آینه تمام‌نمای اتفاقات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی همان عصر است.

انسان زاده ناآرامی‌ها و طوفان حوادث، همواره در جستجوی آرامش، نیازی تازه می‌آفریند. در ادوار پیشین، در اندرون غارهای تاریک، برای کسب تأثیر جادویی حیات، نقوش زنده طبیعت را بر دیواره‌های سنگی، نقش می‌زند و شبانگاه به گرد آتش دانایی، برای هم‌نشینان و هم‌پایه‌های خود حوادث روزانه را با اشکال تن و روان خویش بازگو می‌کند. قطعاً نگاه‌های گرم و آرامش‌بخش مخاطبین او را حریص‌تر و مطمئن‌تر می‌سازد. انسان وقتی فهمید که بانمایش توانسته ارتباط و لحظه‌های ناب‌ی را تجربه کند تصمیم گرفت کشف‌های جدیدتری داشته

باشد. پس بشر برای حفظ مخاطب و تعریف قصه و ماجراهای ماندگار دست به آفرینش زد و بن‌مایه اصلی نمایش یعنی همان نمایشنامه متولد شد.

انسان کمی جلوتر، در میان آهن‌پاره‌های جامعه صنعتی، تنها، ناآرام، پوچ و بدون هیچ هویت انسانی، به انتظار پایان می‌نشیند و دوباره هنر او را نجات می‌دهد. آن زمان که دردها و رنج‌های خود را در نمایشنامه‌ها روی صحنه می‌بیند و این آغاز تولدی دوباره است.

بشریاد می‌گیرد که هنر را نه در خدمت زندگی، بلکه هدف زندگی قرار دهد. انسانی که دیوانه‌وار به دنبال پیشرفت و تکنیک بود حالا استعداد عاطفی و انسانی خود را دوباره پیدا کرده بود و این اکتشاف در متن جنگ‌های جهانی، هراس مرگ، غربت، گرسنگی و... هم پایانی نداشت و در چهارچوب سخت روزگار فریاد مظلومانی شد که سقف فلزی و سرد گلوله‌ها، موشک‌ها و تانک‌ها لحظه‌های آن‌ها را پر از تراژدی‌های خونبار کرده بود.

و حالا بشر بعد از گذشت قرن‌ها در پی بیداری انسانیت خفته، در پی حفظ نیازهای عاطفی جمعی و سرگرمی به این هنر پناهنده شده است و می‌داند که تنها راه نجات همین است: از خود تا دیگری گستردن!

دبیر بخش ادبیات نمایشی

هومن بنایی

برای
پدرم
و
مادرم
که از میان ابرها
لبخند
می‌زنند.

::
نازنین

سخنی از وجدی معوض

در مورد شروع و شکل‌گیری «ساحلی‌ها»

"حالا که در دهه‌ی سی زندگی‌مون هستیم، چه ترس‌هایی داریم؟" همراه چند دوست، پشت میز آشپزخانه‌ی یکی از همان دوستان نشسته بودیم.

در پاسخ به این سوال، هر کدام از ما افکارمان را بیرون ریختیم و سعی کردیم نقاط پنهان روحمان را نقطه‌گذاری کنیم و بباییم. از عشق گفتیم، از شادی، از اندوه، از درد، از مرگ. فهمیدیم از عشق، بیشتر از مرگ وحشت داریم، فهمیدیم ترس ما از مرگ به‌خاطر مرگ خویش نیست که ترس از مرگ عزیزان، مرگ پدر و مادر است.

و من در میان این ردوبدل افکار و احساسات ایده‌ی یک نمایش به ذهنم رسید، که زاینده‌ی مطالعات من از دو ابر نمایشنامه و رمانی شاهکار بود؛ نمایشنامه‌های اُدیپ و هملت و رمان ابله. در خوانش و مطالعه‌ی این آثار من متوجه‌ی ارتباطی بین سه ابر شخصیت این قصه‌ها شدم. این سه شاهزاده (شهریار تبای، شاهزاده‌ی دانمارکی و پرنس میشکین)، هر سه‌ی این شخصیت‌ها در ارتباطی مستقیم با پدر بودند. یکی پدرش را کُشته بود، دیگری در پی انتقام برای پدرش و آن‌یکی که هرگز نفهمید پدرش کیست. به‌نظرم آمد این سه ابر شخصیت قسمت‌های مختلفی از یک داستان واحد را بازگو می‌کنند.

و این‌جا بود که ایده‌ی نمایشنامه‌ای با شخصیت محوری مردی که پدرش را گم کرده بود و حالا دنبال مکانی برای

به خاک سپردن پدرش است به ذهنم خطور کرد. شخصیتی که در این ماموریت سه مرد جوان دیگری را ملاقات می‌کند، مردانی که هر کدام بازتابی از ابر قهرمان‌های ما (هملت، ادیپ شهریار و پرنس میشکین) هستند؛ و دو زن نمایشنامه، سیمونه که سمبل سرخوردگی‌های ما و ژوزفین آخرین شخصیت این نمایش یادبودی از خاطرات فراموش شده‌ی ماست. این نمایشنامه از مواجهه و ملاقات انسان‌ها و افکارشان شکل گرفت، معنی پیدا کرد و نوشته شد.

سخن مترجم

دل نمی‌خواهد مقدمه و یا سخن مترجم این کتاب توضیح چند خطی از زندگی و آثار وجدی معوض باشد که با گشتی در فضای مجازی در دسترس همگان است.

آشنایی من با "وجدی معوض" **Wajadi Muawad** با نمایشنامه‌ی «آتش سوزی‌ها» شروع شد. سبک، دیدگاه، کلام و روایتش لرزه‌ای به جانم انداخته بود.

سکونت چند ماهه‌ام در تورنتو فرصتی شد تا به نشر **Playwrights Canada press** سری بزنم و آثار ترجمه شده به انگلیسی‌اش را تهیه کنم (او به فرانسه می‌نویسد و من سواد زبان فرانسوی ندارم) در این میان دو نوشته‌اش را برای ترجمه انتخاب کردم، «ساحلی‌ها» و «انفجاری در قلب». در سرمای زمستان سال ۹۸ در تورنتو ترجمه‌ی این دو نمایشنامه را آغاز کردم و این اتفاق در آن سرما و برف گرمایی شد و به یادگار ماند.

برای من زیستن او در کشوری درگیر جنگ (لبنان) و مهاجرتش به فرانسه و سپس به مونترال کانادا در کودکی بسیار قابل تامل است، نویسنده‌ای که تئاتر برایش صحنه‌ی فریاد و درد است، صحنه‌ی ابرازِ نفرتش از جنگ، از غارت، از مرگ، از تجاوز ۵.

و کوچ و کوچ و کوچ... به کشوری غریب، با زبانی غریب و با فرهنگی غریب‌تر که در آن فرهنگ رشد کرد و به آن زبان هم نوشت. او سال‌هاست می‌نویسد و آثارش را کارگردانی می‌کند. خط به خط نوشته‌های او از زبان شخصیت‌های داستان‌هایش میراثِ سرزمینش تا کوچ است. پرتگاهی‌ست،

میان مام وطن و مهاجرت، میان جنگ و فرار، میان درد، فراموشی و در نهایت بازگشت به اصل خویش. این بازگشت به مراتب دشوارتر از کوچ است که همانا دوباره یافتن خویش است.

و شاید همین جغرافیای مشترک ما، همین دنیای جهان سوم و جنگ و مهاجرت‌هایی به آن طرف اقیانوس‌ها و همین «جوانی‌های غارت شده» فریاد مشترکی ست که «بر سر جاده» می‌کشیم و منتظر معجزه‌ایم.

وجدی معوض اکنون در فرانسه زندگی می‌کند و فعالیت گسترده‌ی هنری خود را ادامه می‌دهد. دغدغه‌ی او دغدغه‌ی دنیاست ۵ دنیای بدون جنگ.

مترجم فرانسوی به انگلیسی «ساحلی‌ها»:

shelley Tepperman

مترجم فرانسوی به انگلیسی «انفجاری در قلب»:

Linda Gaboriau

نازنین میهن

اردیبهشت ۱۳۹۹

تهران

آدم‌ها:

Wilfred	ویلفرد
	پدر
Knight Giromelans	شوالیه
Simone	سیمونه
Amé	آمه
Sabbé	سبه
Massi	مسی
Joséphine	ژوزفین

آدم‌های دیگری در نمایش حضور دارند (با دیالوگ و بدون دیالوگ) که در اجرای اصلی به کارگردانی خود نویسنده‌ی متن به ترتیب زیر بین بازیگران تقسیم شده است:

۱. ویلفرد
۲. پدر
۳. شوالیه، کارگردان، فرید، موسی، جمیل
۴. سیمونه، منشی صحنه، خاله ماری،^۱ نوازنده
۵. آمه، فیلم‌بردار، دایی امیل^۲، دکتر، ژوزف،^۳ مهمان
۶. سبه، دستیار صدا، مشتری پیپ‌شو، فروشنده، دایی میشل^۴، جوانی پدر، ایسام^۵، قاسم^۶

-
1. Aunt Marie
 2. Uncle Émile
 3. Joseph
 4. Uncle Michel
 5. Issam
 6. Ghassane

۷. مَسی، دستیار نور، متصدی سردخانه، کارمند دفتری، دایی
فرانکو^۱، جوانی پدر، وِزان^۲، حکیم^۳
۸. ژوزفین، مأمور، خاله لوسی^۴، ژانه^۵، آنکیا^۶، مادام حکیم^۷

-
1. Uncle François
 2. Wazع
 3. Hakim
 4. Aunt Lucie
 5. Jeanne
 6. Ankia
 7. Madam Hakim

اینجا



(شب است.)

ویلفرد

خیلی درمونده بودم عالی جناب، این همه راه
اومدم تا شما رو ببینم. بهم گفتن تنها کسی که
می تونه کمکم کنه شماییین. منم یه لحظه رو
تلف نکردم و اومدم. بدون این که بدونم چی باید
بگم یا چی کار باید بکنم، چه طور می تونی
واکنشی نشون بدی وقتی یه دفعه دنیات منفجر
شده، چون تا دیروز هیچی نبودم و فقط به
خاطر اوضاع ترسناکی که پیش اومده، این جام،
روبه روی شما و شما ازم می پرسین از خودت
بگو، انگار من قصه ام. اما من هیچی نیستم، من
هیچکی نیستم، من فقط یه آدمم
که... نمی دونم...! شاید هم هیچ وقت ندونم، ولی
من باید کاری که درسته رو انجام بدم و تموم
سعی ام رو می کنم که بتونم درست خودمو
بهتون معرفی کنم و بگم چی می دونم و چی
نمی دونم. هر چند چه فرقی داره من چی
می دونم یا نمی دونم، نمی خوام خیلی وقت تون

رو بگیرم، برای ہمین اول می‌رم سرِ اصل
مطلب. اسم من ویلفریده و به خاطر بازی طبیعت
تحت فشار زیادی‌ام که از هر طرف بہم هجوم
می‌آرہ. این قصہ دقیقاً سه روز پیش شروع شد و
به شکل عجیبی ہم شروع شد. من تو خونہ‌ام
بودم، با یکی از دوستانم کہ اسمش یادم نیست،
واقعاً یادم نیست. آنا یا جولیا، مهم ہم نیست،
چون اون ہم اسم منو یادش نیست. من صداس
می‌زدم شانتال، ونسا، دبرا، لاکشمی و اون صدام
می‌زد جرمی، مصطفی، مت، فدریک، برد، جف...
نمی‌خوام وارد جزئیات بشم چون قطعاً نہ جاشہ
و نہ زمانش، اما این رو می‌خوام بہتون بگم
دقیقاً توی لحظہ ای کہ مهمون داشتیم تلفن
زنگ خورد. سه‌تا زنگ خورد. گوشی رو برداشتم.
بعضی‌ها به تقدیر اعتقادی ندارن، اهمیتی ہم
ندارہ چون منم به تقدیر اعتقادی ندارم.
اما اون تلفن ساعت سه صبح تو لحظہ‌ای کہ
من بہترین حال زندگیمو داشتیم، و بہم خبر
دادن کہ پدرم مُردہ، اگہ تقدیر نیست، پس چہ
گُہیہ؟ ... پس "سلام، خودت رو برسون، پدرت
مُردہ" یعنی چی؟ اون وقت گوشی رو می‌ذاری،
گوشی رو باز می‌ذاری، می‌ذاری، گوشی رو
می‌ذاری. اما بی‌فایده‌ست چون اون تلفن اتفاق
افتادہ و صدای «سلام، خودت رو برسون، پدرت
مُردہ» تا ابد توی گوشت زنگ می‌زنہ.

- راهزنان / فردریک شیلر / مترجم: علیرضا کوشک جلالی
- باد زرد «وینسنت ونگوگ» - تولدی دیگر / علیرضا کوشک جلالی
- استخوان ماهی جادویی - بچه‌های دریا - راز پروانه‌ها - هاپچه - سیزده نمایشنامه کوتاه و کم حرف (پانتومیم) - علاءالدین و غول چراغ جادو - افسانهٔ ماردوش - ماجرای دختری که شاید شاهزاده خانم بود - یک سیب برای دو نفر! / منوچهر اکبرلو
- هینکه من / ارنست توللر / مترجم: ایرج زُهری
- رگ / ایوب آقاخانی
- صبا - ذبیح - خواستگاران مهری / صبوره رنگرز / مقدمه: دکتر عطاالله کوپال
- قند خون - کمیته نان / لیلی عاج
- چند سال پیش / کههد تاراج
- مسافر اتاق شماره ۳۷ - سزارین - ژرژت مشکی / هومن بنائی / مقدمه: جهانگیر هدایت
- آشویتس زنان - مربع / علی صفری
- غبارروبی از خاطرات ماه سیما در بایگانی عدلیه / مجید دیندار
- هیله - هجده / محسن عظیمی
- وارثان / شهرام احمدزاده
- خُده و عشق / شیلر / ترجمه یوسف اعتصامی
- تنها گریخته - بزن بریم / کاریل چرچیل / مترجم: پریسا سالاری
- خُر ریاحی / عبدالرزاق عبدالواحد / مترجم: سید مهدی حسینی نژاد
- تک‌گویی‌های مرگ، تک‌گویی‌های عشق / زهره یحیایی
- بیهوده قرمز نشدن / سعید زارع
- دگردیسی‌ها (مری زیمرمن) - ساحلی‌ها (وجدی معوض) - ریپ وان وینکل (ماکس فریش) / مترجم: نازنین میهن
- بندخانه / زهرا مینویی
- تسویه حساب / پوریا عبدی
- رنوی زرد / مهدیس غنی زاده
- از همان شب که خورشید آمد - صبح دی ماه و عطر بهار نارنج / ندا ثابتی
- یک لقمه نان / یوجین اونیل / مترجم: محمدرضا حسن‌زاده جوانیان
- معجزه ماکارونی / فرامرز طالبی
- سه شب بی‌خوابی دیگر / کاریل چرچیل / ترجمه ناهید احمدیان
- استلا / گوته / ترجمه بهنام مشایخی

- ۱۲ نمایشنامه صحنه‌ای و رادیویی از استاد خسرو حکیم رابط

فیلمنامه

- داستان ازدواج / نوآ بامباک / مترجم: حامد سلیمان‌زاده

ادبیات داستانی

- ماخونیک / محسن فاتحی (نامزد جایزه ادبی مهرگان دوره ۱۹ و ۲۰)
- طبرخون / محسن فاتحی (نامزد جایزه ادبی مهرگان دوره ۲۱ و ۲۲)
- جوق کلنگان / محسن فاتحی
- زبده‌التواریخ بایسنغری / محسن فاتحی (نامزد چهلمین جایزه کتاب سال در گروه تاریخ-۱۴۰۱)
- ظفرنامه / (تیمور گورکان) / محسن فاتحی
- ماهرخ / ایرج افشاری اصل
- شاهد دوم شخص غایب / مهراوه موسوی
- فانوس به دستان شیلان / حمید نوغانی

نحوه فروش آثار

- مراجعه به سایت نشر آماره به همراه اطلاعات کتابها و پخشیهات ورود به پندل کاربری و انتقال کتابها به سید خرید www.nashreamareh.ir
- از طریق اپلیکیشن طاقچه (برای تهیه نسخه E-pub)
- تماس تلفنی و پیامکی، واتس آپ و تلگرام با شماره تلفن: ۰۹۳۶۸۷۶۴۳۹۱